سخنان آيت الله هاشمى رفسنجانى، دامت‏بركاته

 در اواخر سال 1379 برخي از مراكز و مؤسّسات فعّال پژوهشي و فرهنگي كشور، به هم پيوستند و ((ستاد احياء و گسترش فرهنگ مهدويّت)) را تشكيل دادند. نام مراكز و مؤسّسه‏ها به شرح زير است:

 1- امور فرهنگي مسجد مقدس جمكران؛

 2- بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود؛

 3- مؤسّسه‏ي فرهنگي موعود؛

 4- مؤسّسه‏ي فرهنگي انتظار نور؛

 5- مركز پژوهش‏هاي اسلامي صدا و سيما.

 يكي از كارهاي اين ستاد، ((جشنواره‏ي برترين‏هاي فرهنگ مهدويّت)) در سالروز آغاز امامت امام عصر عليه السلام است و در نهم ربيع الاول هر سال برگزار مي‏شود. نخستين جشنواره، نهم ربيع‏الاوّل 1422 ه-. ق (12 خرداد 1380) برگزار شد.

دومين جشنواره، با موضوع ((مهدويّت در مطبوعات (بررسي موضوع مهدويّت از 22 بهمن 1357 تا 22 بهمن 1380 در مطبوعات) نهم ربيع الاول 1423 ه-. ق برابر با يكم خرداد 1381 در سالن اجتماعات دارالشفاء قم برگزار شد.

 مجموعه‏ي حاضر، سخنان آية الله هاشمي رفسنجاني، دامت بركاته، در جشنواره‏ي برترين‏هاي فرهنگ مهدويّت در مطبوعات مي‏باشد.

 تقدير از برگزاري همايش مهدويّت‏

 بسم الله الرحمن الرحيم. ابتدا، از اين كه اين برنامه‏ي مناسب را براي احياي حقايقي كه خيلي‏ها تلاش مي‏كنند تا آن‏ها را در تاريخ مدفون كنند، برگزار كرديد، تشكّر مي‏كنم و به كساني كه توفيق پيدا كردند و امتياز گرفتند و توانستند جايزه‏هاي اين همايش را به دست آورند، تبريك مي‏گويم. آناني هم كه جايزه‏اي دريافت نكرده‏اند، بدانند زحمت خود را كشيده‏اند و إن شاء الله، توفيقات شان بيش‏تر خواهد شد.

 به هر حال، براي مسابقه در كار خيري به نام اطّلاع رساني صحيح و مبارزه با بوق‏هاي تبليغاتي ضد ديني و ضد انقلابي، راهي باز شده است و إن شاء الله، اين تلاش، بيش‏تر خواهد شد.

 پردامنه بودن بحث مهدويّت

 مسئله‏ي مهدويّت و بحث درباره‏ي امام زمان‏عليه السلام آن قدر وسيع است و قلمرو بازي دارد كه انسان براي انتخاب عنوان بحث خود، مشكل پيدا مي‏كند. اكثر مسائل مربوط به امام زمان‏عليه السلام مسائل زنده‏ي زمان ما است و لازم است درباره‏ي اين‏ها، تحقيقات عميقي صورت گيرد و به اطّلاع مردم برسد.

 مسئولان مربوط، بايد اين مسائل را مشخّص كنند و هر يك را به افرادي بسپارند تا آنان درباره‏ي آن‏ها، پژوهش كنند و مسئله‏ي مهدويّت را كه دغدغه‏ي ذهني خيلي‏ها است، روشن كنند.

 من براي صحبت‏ام در اين جا، چند نكته‏ي مهم را از ميان صدها مسئله‏ي مهم مهدويّت، برگزيده‏ام.

 1- جهاني بودن مسئله‏ي مهدويّت‏

 موضوع مهدويّت، يك مسئله‏ي واقعي جهاني و مورد توجّه انسان و آرمان بشريّت به شمار مي‏آيد؛ زيرا، مسئله‏ي اساسي مهدويّت، اين است كه بالاخره، يك روزي، اين دنيا، با اين همه شرّ و ناكامي‏ها، عاقبت به خير مي‏شود و بشر - اين گل سرسبد آفرينش - به يك زندگي مناسب دست مي‏يابد.

 از اديان الهي، مانند يهوديّت و مسيحيّت، گرفته تا مكاتب بشري، به آينده‏ي ايده آل براي زندگي بشر اعتقاد دارند و مژده‏ي آن را داده‏اند. محتواي مهدويّت، به عنوان يك واقعيّت، بر تاريخ حكومت مي‏كند. هر كس، هر مقدار، در مسئله‏ي آفرينش، انسان، رابطه‏ي انسان با مخلوقات ديگر، رابطه‏ي اين كره‏ي خاكي با جهان بي نهايت، فكر كند، ناچار به مسئله‏ي آينده‏ي انسان و جهان، خواهد انديشيد.

 2- حتمي بودن ايجاد حكومتي عادل‏

 تعجّب اين جا است كه جز گروه‏هاي پوچ گرا، تقريباً همه و همه بر اين نكته اتّفاق دارند كه بشر، بالاخره، روزي، سعادت و آرامش و زندگي بدون ظلم و ستم را به چشم خويش خواهد ديد و آن را تجربه خواهد كرد.

 روزي كه خداوند تبارك و تعالي، آدم را آفريد، فرشتگان پرسيدند: ((باز هم ظلم؟ باز هم ستم؟ باز هم تاريكي؟))، ولي خداوند مژده داد كه روزي در جهان خواهد آمد كه اثري از ظلم و ستم نباشد و دنيا، حكومتي عادل را ببيند.

 خوش بختانه، آن قدر مباني و منابع مهدويّت، غني و محكم است كه انسان، اطمينان دارد كه آن وعده‏ي الهي، يك روزي تحقّق پيدا مي‏كند.

 تشكيل حكومت جهاني با هدف عدالت آسماني و رفاه عمومي و امنيّت كامل براي همه و ترقّي و پيشرفت علمي و فنّي كه مصداق كامل تسخير طبيعت باشد، همان طور كه در قرآن بيان شده، مطمئناً، تحقّق يافتني است.

 حكومت عدل مهدوي، چند ويژگي دارد:

 الف) معصوم بودن حاكم‏

 ما معتقديم كه رهبر آن حكومت جهاني، يك انسان معصوم و منزّه از خطا و اشتباه و آلودگي است. عنصر معصوم بودن رهبر، يك عنصر بسيار بسيار مهم است. ممكن است‏

 در اين جهان، حكومت‏هاي مذهبي و مردمي تشكيل شود كه به دنبال اجراي عدالت باشند، ولي يقيناً رهبران شان معصوم نيستند، بلكه انسان‏هايي هستند كه يك قدري از ديگران در مسائلي مانند مديريّت و اراده و... برجسته‏تر هستند، از اين رو، دچار خطا و اشتباه و لغزش مي‏شوند، امّا حاكم آن حكومت جهاني، معصوم است و جهان را برابر قانون الهي، مديريّت مي‏كند.

 ب) رشد فكري مردم‏

 معصوم بودن حاكم، در حكومت‏هاي پيامبران پيشين نيز بوده است، امّا بحث جهاني بودن آن‏ها مطرح نشده است؛ زيرا، دنياي آن زمان‏ها با دنياي زمان ظهور حضرت‏عليه السلام تفاوت دارد. از شرايط مهم بهره بردن انسان از علوم كامل امام معصوم‏عليه السلام اين است كه خود آدمي نيز آن چنان رشد فكري و عقلاني داشته باشد تا بتواند علم او را بفهمد و اجرا كند. از اين رو، در روايات مطرح شده است كه به لطف الهي، عقول و عواطف بشر كامل شده و علم مردم آن دوره، مثلاً چند درجه است و...

 ج) همراه بودن عصاره‏ي تاريخ با حضرت‏

 در روايات آمده است كه هنگام ظهور حضرت، تعداد سيصد و سيزده تَن از انسان‏هايي كه آمده‏اند و رفته‏اند و الآن نه نامي از آن‏ها است و نه يادي، زنده خواهند شد و حضرت را در قيام جهاني‏اش ياري خواهند كرد.

 اين كه اينان چه كساني هستند و چرا اين عدد مطرح شده است، اسراري دارد كه بايد تلاش كنيم و آن‏ها را بفهميم، ولي آن چه مسلّم است، اين است كه آنان عصاره‏ي تاريخ‏اند و هر كدام نماينده‏ي بخشي از تاريخ‏اند كه در خدمت حضرت‏عليه السلام براي ساخت آن دنيايي كه آرزوي همه‏ي ما است، تلاش مي‏كنند.

 3- برنامه‏ي حكومت حضرت‏عليه السلام‏

 نكته‏ي بعدي مربوط به حكومت جهاني مهدي‏عليه السلام مسئله‏ي برنامه است. بالاخره آن دولتي را كه ما وعده مي‏دهيم، برنامه دارد و اين طور نيست كه حركت آن و مديريّت آن، صرفاً، بر اساس تجربه باشد. البته از تجربه هم استفاده مي‏شود. حكومت جهاني مهدي‏عليه السلام مانند جمهوري اسلامي نيست كه از صفر شروع كرد. او، برنامه دارد، و برنامه‏اش، همين برنامه‏اي است كه در اديان الهي بوده، ولي حالا مندرس شده و خيلي‏هايش در اختيار ما نيست و اگر هست، ما، آن‏ها را نمي‏فهميم. تعبير ((دين جديد)) كه در قيام حضرت مهدي‏عليه السلام مطرح مي‏شود، به سبب اين است كه برنامه‏هاي او براي ما روشن نيست.

 قرآن، متني است كه دست نخورده است، ولي احاديث، با وجود تمامي تلاش محدّثان و فقيهان و...، ظنّي الصدور هستند و حقايقي از دين اسلام در يورش‏هاي گوناگون به مراكز تشيّع، از بين رفته و به دست ما نرسيده است.

 در روايات كتاب‏هايي براي امامان معصوم‏عليهم السلام شمرده‏اند. نيز آمده است كه حضرت رسول‏صلي الله عليه وآله وسلم به حضرت علي‏عليه السلام باب‏هاي فراواني از علم آموخته كه از هر باب، باب‏هاي فراوان ديگري گشوده مي‏شود.

 اين‏ها، همه، در اختيار امام زمان‏عليه السلام است و آن‏ها، براي حضرت ايشان، برنامه‏ي هدايت و مديريّت جامعه است.

 آن علوم، تنها، مربوط به زمين نيست، بلكه بحث كرات ديگر نيز هست. در قرآن، بحث تسخير شمس و قمر مطرح شده است. ما اين‏ها را اين گونه تفسير مي‏كنيم كه مثلاً خورشيد در رشد گياهان تأثير دارد و ماه در جزر و مدّ دريا اثر مي‏گذارد، و بحث جاذبه را مطرح مي‏كنيم، ولي به نظر مي‏رسد همه‏ي بحث، بحثِ تسخير خورشيد و ماه و... اين‏ها نيست.

 در روايات آمده است كه حضرت‏عليه السلام با ابر مسافرت مي‏كند، با نور مسافرت مي‏كند، لشكر امام زمان‏عليه السلام با نور حركت مي‏كنند، ما، تا فهم اين مطالب، فاصله‏ي زيادي داريم، ولي علائم اين‏ها را الآن هم مي‏بينيم.

 من نمي‏خواهم منكر اعجازهاي امام زمان‏عليه السلام شوم؛ زيرا، حضرت وارث حضرت نوح و ابراهيم و موسي و عيسي‏عليهم السلام و... است، ولي به نظر مي‏رسد سلطه‏ي انسان بر طبيعت، در آن زمان، به لطف الهي و بركت امام زمان‏عليه السلام به اوج مي‏رسد.

 4- قدرت فراوان حكومت مهدوي‏

 من، همين جا، مسئله‏اي را بايد باز كنم. در زمان ظهور حضرت‏عليه السلام سخن از ميلياردها انسان است. هر نوع صحبتي كه از آراي مردم و انتخابات و... باشد، لازم است كه پشت سر تمام اين‏ها يك قدرت كامل و مستحكمي باشد. در آن زمان، اين طور نيست كه همه‏ي انسان‏ها، فرشته شده باشند، بلكه همه‏ي غرايز انسان، مانند انحصارطلبي، خود خواهي،... وجود دارد. درست است كه طبق برخي از روايات، شيطان، در آن زمان مهلت‏اش تمام مي‏شود، ولي در مقابل، چيزهاي ديگري هم داريم كه نشان مي‏دهد شر، همچنان ادامه دارد. اين غرايز، سبب طغيان و گريز از قانون است. بنابراين براي اداره‏ي آن همه جمعيّت و جلوگيري از ظلم و خون ريزي و... بايد قدرتي فائق و كامل وجود داشته باشد.

 5- پيرايش مسئله‏ي مهدويّت از خرافات‏

 قبلاً گفته شد، ظهور يك منجي براي اصلاح جامعه‏ي بشري، در تمام اديان الهي و مكاتب بشري مطرح است، ولي به دقّت مكتب تشيّع و ذكر جزئيات و... حتّي نزد اهل سنّت هم نيست. اهل سنّت هم به يك مهدي كلّي معتقدند.

 در منابع ما، روايات فراواني درباره‏ي حضرت مهدي‏عليه السلام و قيام ايشان وجود دارد، ولي بايد دانست كه اين مطالب بايد بررسي شود و حق از ناحق جدا گردد. درباره‏ي حضرت ايشان، مطالب ناحق و نادرستي در سايه‏ي نكته‏هاي صحيح ثبت و ضبط شده است. پيرايش اين روايات و مطالب، از آرزوهاي من است، ولي هر گاه اقدام به اين كار مي‏كنم، مي‏بينم كه به آساني نمي‏شود آن مطالب ناحق را پاك كرد و به خود حق نمي‏دهم به سادگي بگويم فلان مطلب يك نكته‏ي غلط است.

 ادعاي حكومت بر جهان از سوي آمريكا

 تشكيل جمهوري اسلامي، حركتي است در جهت حكومت جهاني حضرت مهدي‏عليه السلام. سعي ما، اين است كه در چهارچوب آن حكومت، حركت كنيم. اين سعي و تلاش ما، در مقابل ايده‏ي كساني است كه از جهاني شدن و جهاني كردن حكومت شان سخن مي‏گويند.

 جهاني شدن، اكنون، يك مقدار طبيعي است؛ يعني، به طور طبيعي، ارتباطات دارد زياد مي‏شود و منافع و مصايب بشر دارد به هم گره مي‏خورد.

 محيط زيست را ديگر نمي‏شود تجزيه كرد و گفت، ما مراعات كنيم و كشور همسايه‏ي ما مراعات نكند. مسئله‏ي سلاح‏ها و تجارت و توليد و انرژي و امنيّت، تقريباً، قابل تجزيه نيستند. طبيعت تكامل انسان، اين ارتباطات را بيش‏تر كرده است. ابتدا، افراد، جداگانه، مثلاً در جنگل زندگي مي‏كردند، سپس بحث قبيله مطرح شد و آن گاه شهرها به وجود آمدند و روزي بحث يك منطقه مطرح بوده و اينك جهاني شدن، خود را نشان داده است. اين، سير تكاملي بشر در بحث اجتماع است.

 در اين زمان، قدرت‏هايي هستند كه مي‏خواهند اين جريان طبيعي دنيا را به نفع خودشان مصادره كنند و منافع خودشان را بيش‏تر كنند و به برنامه‏هاي خودشان بپردازند. آنان، وقتي بحث مي‏كنند، حرف‏هايشان خيلي دهان پركن هستند، ولي آن حرف‏ها و آرزوها به قواره‏ي آنان نمي‏آيد. عمل و رفتار آنان، سابقه‏ي آنان، همه و همه، ضد آن چيزي است كه ادعا مي‏كنند.

 شما ببينيد ادعاهاي آنان چيست! خيلي خوب، جهاني شدن به سازمان ملل احتياج دارد، لذا سازمان ملل به وجود آمد. طبيعي بود كه در دنياي مرتبط و دنيايي كه خطر جنگ و نزاع و كشمكش آن را تهديد مي‏كرد، سازمان ملل، براي پيشبرد اهداف‏اش نياز به چيزي داشت كه ((منشور ملل متّحد)) نام گرفت، ولي آنان دخالت كردند و حقوق بشري نوشتند كه منافع ناعادلانه‏شان را تأمين كرد!

 قدرت‏هايي مانند آمريكا و انگليس و فرانسه و... دست به دست هم دادند و امتيازي به نام ((حقّ وتو)) را براي خود قرار دادند تا بتوانند در مقابل تصميمات عاقلانه‏ي دنيا، امّا مخالف منافع آنان، بايستند!

 ((حقّ وتو))، يك مطلب خيلي خطرناكي است كه آنان به خود داده‏اند. اين كه ما بياييم و در يك حكومت جهاني و در خانواده‏ي بزرگ بشريّت، به كساني كه سر تا پا اسير هواي نفس‏اند و از لحاظ اخلاقي ذليل‏اند و نمي‏توانند فراتر از تعصّبات خودشان عمل كنند، حقّي را به نام ((حقّ وتو)) بدهيم، چه سرانجامي خواهيم ديد جز آن چه الآن مي‏بينيم؟! آنان، بسيار متعصّبانه و بسيار ظالمانه و بسيار مغرورانه، همه‏ي بشريّت را در خدمت خودشان مي‏بينند! حالا اگر يك رفتار عادلانه‏اي داشتند و درست عمل مي‏كردند، ممكن بود كه بشريّت، خيلي رنج نبرد، امّا رفتار آنان و با وجود اين حقّ وتو، جهان را به دوران ديكتاتوري اوّل برمي‏گرداند و قانون جنگل را رواج مي‏دهد كه هر كس زورش بيش‏تر است، باقي بماند و ضعيف‏ترها نابود شوند!

 شما، همين رفتار جديد آمريكاييان را ببينيد! آيا اين طور آدم‏هايي حق دارند خودشان را صاحب دنيا بدانند و بگويند، ما مي‏خواهيم حكومت جهاني تشكيل دهيم؟! با اين بي‏عدالتي‏ها و دو رنگي‏ها و دو رويي‏ها و ظلم‏هايي كه مي‏كنند و با اين گزينشي عمل كردن در مسائل جهاني، كه جز در قانون جنگل نيست، آيا مي‏توان جهاني آرام براي بشر ايجاد كرد؟

 هرگاه دنيا خواسته است يك حركت عادلانه‏اي انجام دهد، اينان نگذاشته‏اند و اگر قضيه آن چنان فاجعه‏آميز بوده است كه نمي‏توانستند آن را وتو كنند، در اجرايش سنگ اندازي كرده‏اند.

 نمونه‏ي اين گونه رفتار، همين واقعه‏ي دل خراش ((جِنين)) است. فاجعه، آن قدر روشن بود كه نتوانستند وتو كنند و از اين كه كاري نكنند، خجالت كشيدند، حتي در خود نيويورك، خاخام‏هاي يهودي تظاهرات كردند و عليه اسراييل و آمريكا شعار دادند.

 با اين كه خبرنگاران و رسانه‏هاي دنيا، فاجعه‏ي جنين را افشا كرده بودند، آنان تصميم مي‏گيرند كه ((كميته‏ي حقيقت ياب)) را تشكيل دهند، ولي همين را هم دولت اسراييل نپذيرفت و اعضاي اين كميته را نپذيرفت!

 خوب، دنيا، با دولت اسراييل چه كرد؟ آقاي بوش گفت، شارون، مرد صلح است! همين آقايان، وقتي عراق به تصميم شوراي امنيّت عمل نكرد، بلافاصله، اين كشور را تحريم اقتصادي كردند كه اينك نيز ادامه دارد!

 ما نمي‏خواهيم از عراق دفاع كنيم، زيرا معتقديم كه آن كسي كه در آن كشور بر سر كار است، مثل خود آنان است، ولي مي‏خواهيم برخوردهاي دو گانه را نشان دهيم!

 ما، الآن، با چنين داعيه داراني مواجه هستيم كه واقعاً ظالم‏اند، متجاوزند، حريص‏اند، خودخواه‏اند! آنان، حتّي مقوله‏هاي درست بشري را تا آن جايي مي‏خواهند كه به نفع شان است!

 مسئله‏ي محيط زيست، يك مسئله‏ي جهاني است. اگر هوا آلوده شود، به همه جا سرايت مي‏كند. بنابراين، همه، بايد سلامت محيط زيست را مد نظر داشته باشند و درياها را آلوده نكنند و جنگل‏ها را نابود نكنند و ميكروب‏هاي نابود كننده را به وجود نياورند. در اين زمينه هم آمريكا، از همكاري با دنيا طفره مي‏رود! همه، تعهّد كردند كه در پنج سال آينده، چند در صد از گازهاي مخرّب لايه‏ي اُزن را كم كنند، ولي آمريكا، از اين پيمان خود را كنار كشيد!

 نمونه‏ي ديگر از برخوردهاي دو گانه سردمداران جهاني شدن، مسئله‏ي استفاده از نيروي اتم است.

 فن آوري اتمي، در برق، كشاورزي، بهداشت و ... اثر مثبت دارد و زندگي بشر را مي‏تواند تغيير دهد. براي استفاده‏ي صلح‏آميز از اين نيرو، تشكيلاتي به وجود آوردند و پيماني را نوشتند. ايران نيز اين پيمان را امضا كرده است و الآن، فعّاليّت‏هاي اتمي ما، زير نظر سازمان جهاني انرژي اتمي است و آنان كار ما را بازرسي مي‏كنند و حتّي اگر احتمال دهند كه در يك دانشگاه ما، روي اتم كار تحقيقات انجام مي‏گيرد، آن جا را هم بازرسي مي‏كنند، امّا با اين وجود، مستكبران، ما را به استفاده‏ي غير مجاز متّهم مي‏كنند و جلوي بسياري از نيازهاي فنّي ما را گرفته‏اند و به بهانه‏ي چند منظوره بودن برخي از فن آوري‏ها، حتّي محموله‏هاي ما را از كشتي‏ها تخليّه مي‏كنند و اجازه نمي‏دهند كه ما به آن‏ها دست رسي داشته باشيم!

 همه‏ي اين كارهاي آنان در حالي انجام مي‏شود كه خودشان و اسراييل، همه گونه فعّاليّت‏هاي غير مجاز اتمي را دارند انجام مي‏دهند!

 اعتراض به اين نوع جهاني شدن، نه تنها از سوي ما انجام مي‏گيرد، بلكه در خبرها داشتيم كه دويست هزار تَن از مردم، در اسپانيا تظاهرات كردند و اعتراض خود را اِعلام داشتند. الآن، در دنيا، انسان‏هايي كه از اين مظالم كارد به استخوان شان رسيده است، حاضر نيستند تسليم محض باشند، با اين نوع جهاني شدن، موافق نيستند و صداي اعتراض شان بلند است.

 فلسطين، رسوا كننده‏ي آمريكا و اسراييل‏

 آمريكا و اسراييل، چهره‏ي واقعي خودشان را در فلسطين نشان دادند و مردم دنيا فهميدند كه آنان، در شعار عدالت جهاني شان، چه مقدار صادق‏اند.

 انسان، بايد خيلي بي انصاف و گستاخ باشد كه يك اردوگاهي مثل جِنين را كه هيچ سلاح دفاعي ندارد، با هواپيما و تانك و... مورد حمله قرار دهد و مردم آن جا را يا به خاك و خون بكشد و يا آواره كند و حتّي اجازه ندهد مجروحان مداوا شوند و آن گاه كه جوانان فلسطين با عمليات استشهادي، از همنوعان و سرزمين‏شان دفاع مي‏كنند، آنان را تروريست خطاب كند و كساني را كه مجروحان را مداوا مي‏كنند و مي‏پذيرند، حامي تروريست بداند و...!

 خودباختگي برخي از خودي‏ها در مقابل آمريكا

 تأسّف بارتر اين است كه در كشور ما، افرادي هستند كه همان فرهنگ را قبول دارند و آنان را متمدن مي‏دانند و از تفكّر آنان حمايت مي‏كنند و با گستاخي، به نفع آنان، مي‏نويسند و سخن مي‏رانند و آناني را كه با آن فرهنگ مخالف‏اند، محكوم مي‏كنند!

 اين، خيلي براي ما زشت است كه افرادي اين چنين در سرزمين امام زمان‏عليه السلام و در ميان منتظران ظهور حضرت‏عليه السلام وجود داشته باشند.

 متأسّفانه، آنان از مردمي كه جبهه رفته‏اند و در انقلاب شهيد داده‏اند و الآن هم در برابر آمريكا و خواسته‏هاي ناحقّ‏اش، ايستاده‏اند، طلب كارند!

 تلاش مضاعف براي شناساندن حضرت‏عليه السلام و حكومت‏اش‏ در پايان، باز از دست اندركاران اين همايش تشكّر مي‏كنم و اميدوارم با تلاش‏هايي كه مي‏شود، مسئله‏ي مهدويّت، روشن‏تر از گذشته و با زبان روز

براي مردم بازگو شود.

 إن شاء الله از سربازان واقعي امام زمان‏عليه السلام گرديم.